

نقدی بر ماهیت معرفتی کلام سلفی

محمدباقر پورامینی*

چکیده

سلفی‌گری به‌مثابه یک مکتب اعتقادی و کلامی ریشه در جهت‌گیری اصحاب حدیث و دعوت احمد بن حنبل دارد و در دو سده اخیر نیز به صورت خاص بر باورهای ابن‌تیمیه تکیه داشته، ارائه افکار او به‌عنوان محور اصلی اندیشه سلفی، اقبال و ادبار متعددی را در پی داشته است. مسئله تحقیق پیش‌رو آن است که با نگاه بیرونی و درجه دو به «کلام سلفی» می‌توان به‌مثابه یک منتقد، از هویت معرفتی کلام سلفی یاد کرده، و بر محور یک ساختار منطقی، مبانی و مسائل این مکتب فکری را نقد کرد. روش تحقیق و گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و اسنادی است و بررسی مبانی معرفتی، نقد هرمنوتیکی، تبیین کاستی‌ها در مطالعات علوم انسانی و علم دینی در مکتب سلفی، تضاد سلفی‌گری با اصول سلف و لزوم درونی‌سازی نقد کلام سلفی از اهم یافته‌های تحقیق است.

واژگان کلیدی

سلف، سلفی‌گری، کلام سلفی، ساختار معرفتی، ابن‌تیمیه، وهابیت.

*. استادیار گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس معارف اسلامی. pouramini47@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰

طرح مسئله

سلفی‌گری به‌مثابه یک مکتب اعتقادی ریشه در جهت‌گیری اصحاب حدیث و دعوت احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) دارد (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱ / ۱۱۸ و ۱۱۹) و می‌توان از جریان‌های سلفی معاصر با محور قرار دادن ابن‌تیمیه به‌عنوان نقطه جامع، به نام‌های وهابیت، دیوبندیه، اخوان المسلمین، جهادی و سلفی زیدی یاد کرد که تفاوت‌های بسیاری را دارا هستند.

مسئله تحقیق پیش‌رو آن است که با نگاه بیرونی و درجه دو به «کلام سلفی» می‌توان به‌مثابه یک منتقد، از هویت معرفتی کلام سلفی یاد کرده، و بر محور یک ساختار منطقی، مبانی و مسائل این مکتب فکری را نقد کرد. در این نوشتار، افزون بر بیان هویت معرفتی کلام سلفی، ضرورت و اهداف، پیشینه مطالعات و ساختار منطقی، به ارائه برون‌دادهای این حوزه می‌پردازد.

ماهیت سلفی‌گری

سلفی‌گری ریشه در جهت‌گیری اصحاب حدیث و دعوت احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ ق) دارد و سلفی کسی است که بر مذهب سلف باشد، (ذهبی، ۱۴۱۷: ۶ / ۲۱) و از راه و حرکت سلف صالح از سه قرن نخست پایبند در زمینه ایمان و اعتقاد، پیروی کند و مقصود از «سلفیه» را مجموعه‌ای از مسلمانان می‌شمارند که راه انتخابی آنان، راهی است که صحابه و تابعین و اتباع آنان در پیروی از کتاب و سنت پیموده‌اند. (القوسی، ۱۴۲۲: ۴۱؛ صالح بن عبدالله، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۵۵)

اصطلاح سلفی با تکیه بر باور ابن‌تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق)، در دو سده اخیر ظهور و بروز یافته و در عرصه باور و رفتار جمعی از فعالان امت اسلامی مطرح شده است. پافشاری ابن‌تیمیه به سلف به‌گونه‌ای است که او در شمار پیشوایان سلفی جای گرفته و به ادعای برخی، تنها راه وصول به مذهب سلف پیروی از مذهب ابن‌تیمیه است. (مقبول احمد، ۱۴۱۶: ۶۶۰ و ۶۶۱)

جریان سلفیه در دوره معاصر، با محوریت دیدگاه ابن‌تیمیه، در شبه قاره هند از سوی شاه ولی‌الله دهلوی (م ۱۱۷۶ ق)، در مصر از سوی رشید رضا (م ۱۳۵۴ ق) و گرایش‌هایی از اخوان و به‌خصوص در نجد و حجاز از محمد بن عبدالوهاب (م ۱۲۰۶ ق)، در یمن از سوی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰ ق) و مقبل بن هادی الوادعی (۱۴۲۲ ق) پیروانی یافت.

جریان حاکم وهابی عربستان که واژه وهابی را برای خود «لقب شریف عظیم» می‌شمارد، (بن باز، بی‌تا: ۱۹) اصرار دارد منحصرأ خود را «سلفی راستین» و جریان‌های دیگر سلفی را دچار انحراف از شیوه سلف قلمداد کند. از این‌رو امروزه می‌توان وهابیت را به‌عنوان مهم‌ترین جریان سلفی خشن

عصر حاضر دانست. محمدالغزالی ضمن نقد وهابیت، از نقش دشمنان اسلام در هموار کردن فضا برای سلفیان معاصر یاد می‌کند و در نگاه او، اسلام ترسیمی از سوی آنان، نه تنها جذیبتی نداشته، بلکه سبب دوری از آن و مقدم کردن هر نحله‌ای بر دین اسلام می‌شود. (محمدالغزالی، ۱۹۹۱: ۵۰)

امروزه سلفی‌گری از حالت بسیط عبور کرده و متکثر شده و ما شاهد جریان‌های مختلف سلفی با آبشخور آرا و دیدگاه‌های ابن تیمیه و ابن قیم هستیم که در مطالعات سلفی پژوهی باید بدان توجه داشت.

هویت معرفتی کلام سلفی

شناخت کلام سلفی در گرو بازشناسی ماهیت و موضوع کلام اسلامی است. کلام، دانش عقاید ایمانی و اصول دین است که برای اثبات آن عقاید، با دلایل عقلی و نقلی استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌کند. (ایجی، ۱۳۷۰: ۱ / ۳۲؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۲) بنابراین موضوع علم کلام اسلامی، عقاید دینی است و در سه سطح «توضیح عقاید دینی»، «اثبات تعالیم دینی» و «دفع آرا و شبهات معارض» مطرح است.

اگر پارادایم (paradigm)، به‌عنوان چارچوب و الگوی نظری یک رشته یا مکتب علمی در کنار سایر نظریه‌های قاعده‌مند تلقی شود، (تامس کهن، ۱۳۶۹: ۱۸۰) می‌توان از پارادایم سلفی‌گری به‌مثابه یک مکتب کلامی در جهان اسلام یاد کرد که ریشه در اصحاب حدیث و به‌طور خاص احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) داشته و بر آرا ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) و پیروان او استوار است. رویکردهای کلام در تاریخ اهل سنت، با تحولات بسیاری همراه بوده است. در آغاز، اهل حدیث از جمله نماینده فکری آنها احمد بن حنبل، پرداختن به علم کلام را ناپسند می‌دانستند و در ادامه نیز مخالفت‌هایی از سوی اغلب سلفیون با دانش کلام و متکلمان، وجود دارد که ناظر به کلام عقلی و فلسفی است؛ به‌گونه‌ای که برخی از سلفیون، علم کلام را علمی آلوده و متلوث می‌دانند که برای عقاید، چیزی مضرتر از آن وجود ندارد. (ذهبی، ۱۴۰۲: ۳۰ و ۳۲) علی‌رغم مخالفت‌های پیوسته و آشکار با علم کلام، استخدام بحث‌های کلامی برای تأیید و تثبیت عقاید اهل سنت و سلفیه، واقعیتی است که وجود داشته است و آنان به‌ناچار در برابر مخالفان بدان گراییدند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱ / ۹۱؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۲۸۷ - ۲۸۶؛ نشار، ۱۹۷۷: ۱ / ۲۴۹ - ۲۴۷) و یا با کلامی که مؤید سنت بود، مخالفتی نداشتند. (ابن‌عساکر، ۱۴۰۴: ۳۳۶) اشعری در نقد بدعت‌انگاران کلام مدعی است همه فقها و علمایی که حتی به تکفیر علمای کلام رای داده‌اند، به‌نحوی از این مطالب برای مراد خود سخن گفته‌اند. (اشعری، ۱۹۹۵: م: ۶)

سلفیان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. البته مسائل کلامی لزوماً مطلق مسائل عقلی نیست و امری که در حوزه دین و عقاید قرار دارد را می‌توان مسائل کلامی شمرد. (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۳ / ۱۳)

وقتی از «کلام سلفی» یاد می‌شود، درنگ در حوزه‌ای است که مبانی معرفتی و آموزه‌های اعتقادی سلفیون بررسی می‌شود؛ بدیهی است که بررسی کلام سلفی از منظر کلام شیعه، بررسی مبانی معرفت‌شناختی، خداشناختی، دین‌شناختی، انسان‌شناختی، راهنماشناختی، فرجام‌شناختی و همچنین درنگ در روش‌های اثبات و دفاع آنان از عقاید دینی خواهد بود. برای شناخت بیشتر هویت معرفتی کلام سلفی، بررسی نکات ذیل ضروری است؛

الف) مسئله اصلی و فرعی

سؤال اصلی در کلام سلفی عبارت است از: مبانی، آموزه‌ها و مسائل اعتقادی سلفیون چیست؟ و از منظر دستگاه کلامی شیعه چه نقدهای اساسی بر آن وجود دارد؟

سؤالات فرعی کلام سلفی نیز عبارت‌اند از: ماهیت کلام سلفی چیست؟ باورهای کلامی رویکردی‌های متکثر در کلام سلفی در دوره معاصر چیست؟ مبانی معرفت‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی، جهان‌شناسی، دین‌شناسی و فرجام‌شناسی کلام سلفی چیست و چه نقدهایی بر آن وارد است؟ مسائل و آموزه‌های معرفتی و اعتقادی در کلام سلفی چیست و نقدهای اساسی آن کدام است؟ معرفت‌نقلی کلام سلفی بر چه روشی مبتنی است و نقدهای اصلی آن کدام است؟

ب) روش کلام سلفی

روش علم کلام در مذاهب مختلف کلامی مختلف است؛ در کلام شیعه تنوع روش کلامی وجود دارد که می‌توان به روش عقلی، نقلی، عقلی فلسفی اشاره کرد؛ لیکن کلام سلفی بر روش نقلی تکیه دارد و روش عقلی را نفی کرده، منکر صلاحیت آن در شئون دینی است. از این رو نص‌گرایی محض بزرگان سلفی در مباحث اعتقادی به‌عنوان یک پارادایم حاکم بر کلام سلفی، می‌تواند معرفتی از کلام نقلی و نص‌گرایی آنان باشد.

ضرورت و اهداف

رشد و توسعه کلام اسلامی، نیازمند بازشناسی آگاهانه مبانی آموزه‌های اعتقادی و روش‌های اثبات و دفاع از آن است. افزون بر آن، بسیاری از موضوعات و مسائل دانش کلام همچون: ایمان و کفر،

توحید عبادی، صفات خبری، امامت و خلافت، مرگ و معاد در کلام سلفی وجود دارد، از این رو فهم دقیق، بررسی روزآمد و نقد مبانی و آموزه‌های معرفتی و اعتقادی مکتب سلفی به‌عنوان یکی از گرایش‌های کلامی مهم و مطرح، می‌تواند نقش اساسی در شکوفایی کلام اسلامی ایفا کند.

سلفی‌گری یک پدیده جاری در جهان اسلام است و علی‌رغم ناکامی‌های وهابیت و جریان‌های افراطی آن، ظرفیت‌های متعددی برای اثربخشی در میان نخبگان و توده دارد. از این رو سلفی‌پژوهی نیاز به بازخوانی جدی، دقیق و پژوهش با محوریت تفکیک گرایش‌های آن دارد تا به دور از اختلافات شدید و وسیع در میان مسلمانان؛ ماهیت و سستی باورهای کلام سلفی تبیین گردد.

امروزه منتقدان بسیاری در جهان اسلام در مواجهه با وهابیت وجود دارند که در نگاه ایشان، اسلام ترسیمی وهابیت، نه‌تنها جذابیتی نداشته، بلکه سبب دوری از آن و مقدم کردن هر نحله‌ای بر دین اسلام می‌شود. (الغزالی، ۱۹۹۱: ۵۰) از این رو همسو کردن سایر جریان‌های کلامی اهل سنت در بررسی و نقد باورهای سلفیان وهابی ضروری است.

پیشینه مطالعات کلام سلفی

محور اصلی اندیشه سلفی بر افکار ابن تیمیه استوار است و ارائه آن، اقبال و ادبار متعددی را در پی داشته است. او در حوزه‌های علمی، عملی و عقیدتی، تأثیرات بسیاری بر جریان‌های سلفی پس از خود گذاشته است. تأکید ابن تیمیه بر پیروی از منهج سلف، عقل‌گریزی، نص‌گرایی، تفسیر خاص از ابعاد توحید، ایمان و کفر، سرمشق سلفیانی گردید که بعدها در قالب وهابیت و سپس در پوشش جریان‌های سلفی دیگر، باورها و حتی رفتارهای خود را با او همسو ساختند. (سعید عبدالعظیم، ۲۰۰۴: ۱۲۴ - ۱۰۷)

هم‌زمان با ارائه آرا ابن تیمیه و در حیات او، عالمان اهل سنت به نقدی جدی اندیشه‌های او پرداختند؛ محمد بن علی زَمَلْکَانِی شافعی (م ۷۲۷ ق) در «*الدره المضيئه فی الرد علی ابن تیمیه*» به نقد او پرداخت. تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶ ق) چند کتاب از جمله: «*الدره المضيئه فی الرد علی ابن تیمیه*» و «*شفاء السقام فی زیاره خیر الأنام*» را در رد او نوشت، همو در کتاب «*السيف الصقيل*» بدعت‌های ابن تیمیه را در اصول عقاید و همچنین باورمندی وی به جسمانیت خدا را به چالش کشاند. (سبکی، بی‌تا: ۱۹۰) محمد بن ابی‌بکر آخنائی مالکی (م ۷۶۳ ق) در کتاب «*المقاله المرضیه فی الرد علی ابن تیمیه*»، تقی الدین حصنی شافعی (م ۸۲۹ ق) در کتاب «*دفع شبه من شبه و تمرد*»، علی بن محمد سمهودی شافعی (م ۹۱۱ ق) در «*وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى*» درباره

زیارت، شفاعت، توسل و استغاثه، ملاعلی قاری حنفی ماتریدی (م ۱۰۱۴ ق) در شرح خود بر شفاء السقام، و بسیاری دیگر به نقد دیدگاه‌های وی پرداخته‌اند. حصنی دمشقی (م ۸۲۸ ق) و ابن حجر هیتمی (م ۹۷۳ ق) با صراحت او را به تشبیه و تجسیم وصف کرده‌اند. (صائب عبدالحمید، ۱۴۱۴: ۱۱۹، ۱۳۰ - ۱۲۹؛ عبد ربّه بن سلیمان، ۱۳۸۳ ق: ۲ / ۵۰) نگارش «*منهاج السنه النبویه*» و آشکارسازی رویکرد ناصبی در این اثر در کنار رسائل و فتاوی ابن تیمیه بر ضدّ شیعه، نقدهای زیادی را متوجه او ساخت و موجب برانگیختن احساسات شیعیان شد. به هر صورت انتقاد از ابن تیمیه به‌گونه‌ای است که منتقدان معاصر او را «برتافته از حقیقت» می‌دانند. (سعید ایوب، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۵۲) با مرگ ابن تیمیه شور و هیجان فکری پیروان حنبلی او در دمشق افول کرد و با پیدایی محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۵ ق) دوباره مطرح گردید. او با تکیه بر آثار ابن تیمیه و ابن قیم، جریان سلفی افراطی را در نجد احیا کرد و زمینه شکل‌گیری یک جریان پر دامنه سلفی در حجاز و سپس جهان اسلام پدید آورد. محمد بن عبدالوهاب از نظر اصول اعتقادی از ابن تیمیه پیروی می‌کرد و خود را سلفی می‌نامید. او مسلمانان را مشرک، کافر، بت‌پرست، مرتد، منافق، منکر و دشمن توحید، دشمنان خدا، اهل باطل، نادان و شیاطین خوانده، تصریح کرده است که مشرکان زمان ما (مسلمانان) غلیظتر از مشرکان و بت‌پرستان گذشته‌اند. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۱۳: ۲۳) مهم‌ترین اثر او «*کتاب التوحید*» است. وی به بهانه توسل مسلمانان به پیامبر ﷺ، ساخت بنا و گنبد و همچنین سفر به قصد زیارت، همه مسلمانان را، بدون استثنا، تکفیر می‌نمود. هم‌پیمانی محمد بن عبدالوهاب با محمد بن سعود (م ۱۱۷۹ ق)، زمینه تحقق دیدگاه‌هایی افراطی و تکفیری او را پدید آورد و این حرکت زمینه نگاشتن نقدهای متعدد، در قالب کتاب‌ها و رساله‌های بسیار از مذاهب مختلف در رد بدعت‌های وهابیان گردید. مذاهب اسلامی از جمله حنبلیان همواره با عقاید وهابیت مخالفت ورزیده‌اند. (البکری، ۱۴۰۸: ۴) نخستین نقد به افکار محمد بن عبدالوهاب از سوی برادرش سلیمان با نوشتن دو کتاب «*فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبد الوهاب*» و «*الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه*» تدوین شد؛ (اسماعیل باشا، ۲۰۱۷: ۲ / ۶۱ و ۱۶۲) که پاسخ رهبر جریان وهابی به برادرش سلیمان، چیری جز ملحد و دشمن دین خواندن او نبود. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۳۱: ۲۹۴ و ۲۸۶)

یکی از محورهای مورد توجه اندیشمندان در جهان اسلام نقد وهابیت و به‌طور خاص باورهای محمد بن عبدالوهاب، بود. آقا بزرگ تهرانی کتابشناس شیعی دوره معاصر در کتاب «*الذریعه الی تصانیف الشیعه*» در معرفی «*وهابیت پژوهی*» ذیل فصل «الرد علی الوهابیه» بر فراوانی نگارش

انتقادی عالمان شیعه و سنی تأکید دارد. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۲۳۵) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل اقبال به گفتمان عقلانی شیعه، مخالفت صریح و خشن وهابیان مضاعف شد، از سویی با توجه به تکرر جریان‌های سلفی، گسترش جریان تکفیری و تأثیر منفی سلفیان در جهان اسلام، سلفی‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی توسعه یافته «وهابیت‌پژوهی» تلقی شد و مطالعات و پژوهش‌های انجام یافته در دوران انقلاب اسلامی، افزون بر نقد وهابیت و محمد بن عبدالوهاب، به بررسی و نقد اندیشه‌های ابن‌تیمیه و شخصیت‌های معاصر سلفی اختصاص یافت و سلفی‌پژوهی یکی از محوری‌ترین و پربسامدترین آثار تألیفی متفکران شیعه در نقد جریان‌ها و فرقه‌های اسلامی گردید. «معجم المؤلفات الاسلامیه فی الرد علی الفرقه الوهابیه» اثر عبدالله محمدعلی و همچنین «کتابشناسی نقد وهابیت» و «کتابشناسی تکفیر» از اباذر نصر اصفهانی اطلاعات دقیقی از مجموعه آثار پژوهشی نقد و بررسی سلفیان از نویسندگان فرق مختلف اسلامی را به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی در جهان اسلام ارائه نموده است.

آیت‌الله جعفر سبحانی، بخش ویژه‌ای از وقت علمی خود را صرفاً به نقد علمی وهابیت و ریشه‌های فکری آن، بیان کلیات مسائل مورد اختلاف آنان با سائر طوائف اسلامی و تبیین صحیح نظریه اسلام اختصاص داده است؛ «لوهابیه فی المیزان»، «بن‌تیمیه فکراً و منهجاً» و «راهنمای حقیقت» از آثار دقیق علمی ایشان است. در سال‌های اخیر تحقیقات جدید دیگری نیز در این حوزه عرضه شده است؛ «فکار ابن‌تیمیه در بوته نقد» و «دراسات فی منهاج السنه لمعرفه ابن‌تیمیه» از آیت‌الله سید علی میلانی؛ «شناخت وهابیت»، «رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت» و «روافد الایمان الی عقائد الاسلام» از آیت‌الله نجم‌الدین طوسی و «تبارشناسی وهابیت» از دکتر سیدمهدی علیزاده موسوی نمونه‌ای از آثار در نقد سلفیان است.

در میان آثار مکتوب اندیشمندان سنی منتقد سلفیان وهابی در جهان اسلام می‌توان از «السلفیه مرحله زمنیه مبارکه و لیست مذهباً اسلامیا» اثر محمد سعید رمضان البوطی؛ «السلفیه الوهابیه؛ أفكارها الأساسیه و جذورها التاريخیه» اثر حسن بن علی بن هاشم سقاف؛ «داعیه ولیس نبیاً» در نقد محمد بن عبدالوهاب اثر حسن فرحان مالکی یاد کرد. در دهه اخیر یک نویسنده سعودی به نام «منصور النقیدان» آثار انتقادی متعددی را قلمی کرده است که می‌توان به «الفکر الجهادی التکفیری»، «مسئولیه الوهابیین عما یجری»، «هل السلفیه هی مصدر الإرهاب؟» اشاره کرد. در آثار کلامی شیخ احمد الخلیلی مفتی اباضی سلطنت‌نشین عمان از جمله «برهان الحق» نیز نقدهای جدی روشی و محتوایی نسبت به سلفی‌گری معاصر به چشم می‌خورد.

از سویی سلفی‌پژوهی در میان مستشرقان و محققان جهان غرب جذاب بوده است؛ ویراست اول مقاله «وهابیت» در «دائرة المعارف اسلام» (Encyclopaedia of Islam) لیدن و لندن ۳۸ - ۱۹۱۳ از دی.اس. مارگولیو است. هنری لائوست، کتاب «بررسی عقاید سیاسی - اجتماعی تقی الدین احمد ابن تیمیه» را نگاشت. از کتاب «سرچشمه اندیشه وهابیت» اثر مایکل کوک نیز می‌توان یاد کرد.

همسو با پژوهش‌های انجام یافته در نقد سلفی‌گری، مراکز و مؤسسات متعددی با هدف آموزش و تربیت نیروهای سلفی‌پژوه تاسیس شد؛ موسسه «دارالاعلام لمدرسه اهل البیت (ع)» زیر نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با هدف شناخت، نقد افکار انحرافی وهابیت و جریان‌های سلفی، دفاع و ترویج عقاید حقه تشیع و تربیت نیروهای متخصص و متعهد در جهت مقابله با آنان، در عرصه آموزش، پژوهش و نشر، فعالیت می‌کند. انتشار فصلنامه «سلفی‌پژوهی» و فصلنامه «سراج منیر» از دیگر اقدامات این مؤسسه است. برخی از مؤسسات چون «مرکز الابحاث الاعتقادی» به رصد دقیق و بهنگام مسائل و شناسایی شبهات مطرح‌شده از سوی وهابیت نیز اهتمام دارد. در این مراکز منبع‌شناسی کتاب‌هایی پیرامون وهابیت وجود دارد. تشکیل رشته‌های تخصصی نقد وهابیت در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی، همچون تأسیس رشته نقد وهابیت در مقطع سطح سه در مرکز تخصصی کلام اسلامی و سطح چهار در دارالاعلام، رشته نقد وهابیت در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد در دانشگاه ادیان نیز از اقدامات مبارک سال‌های اخیر است. برخی از مؤسسات علمی برای انجام تحقیقات در نقد تفکر سلفی و اندیشه وهابی، به صورت خاص به حوزه نقد وهابیت ورود کردند؛ ایجاد تمحض پژوهشی «نقد کلام سلفی» در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «نقد وهابیت» در موسسه امام خمینی، بخش «وهابیت‌پژوهی» در دانشگاه باقر العلوم (ع) و همچنین «میز وهابیت» در دفتر تبلیغات اسلامی از فعالیت‌های موفق جاری است.

رویکرد غالب آثار انتقادی سلفی‌پژوهان تمرکز به نقد و بررسی مسائل کلام سلفی و مبانی اعتقادی است و نگاه انتقادی به مبانی معرفتی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی کمتر مورد توجه بوده است، که در ساختار پیشنهادی ذیل به این نکته توجه شده است.

ساختار منطقی و معرفتی کلام سلفی

رویکرد اصلی ساختار ذیل با محوریت مبانی کلام سلفی ارائه و مسائل ذیل آن بررسی خواهد شد؛ در آغاز نیز ماهیت سلف، سلفی‌گری و کلام سلفی قرار دارد:

۱. سلف و کلام سلفی

- ۱ - ۱. ماهیت سلفی‌گری؛
- ۱ - ۲. جریان شناسی مکتب سلفی؛
- ۱ - ۲ - ۱. اصحاب حدیث و حنابله بغداد؛
- ۱ - ۲ - ۲. مدرسه دمشق ابن تیمیه؛
- ۱ - ۲ - ۳. مدرسه وهابی نجد؛
- ۱ - ۳. ماهیت کلام سلفی؛
- ۱ - ۴. جنبش‌های سلفی معاصر؛
- ۱ - ۴ - ۱. تقلیدی و درباری؛
- ۱ - ۴ - ۲. اصلاحی و اخوانی؛
- ۱ - ۴ - ۳. تکفیری و جهادی؛
- ۱ - ۴ - ۴. دیوبندیه شبه قاره؛
- ۱ - ۴ - ۵. سلفی زیدی.

۲. معرفت‌شناسی کلام سلفی

- ۲ - ۱. معرفت نقلی؛
- ۲ - ۱ - ۱. منابع معرفت نقلی؛
- ۲ - ۱ - ۱ - ۱. کتاب (معرفت و حیانی)؛
- ۲ - ۱ - ۱ - ۲. سنت (پیامبر / صحابه)؛
- ۲ - ۱ - ۱ - ۳. اجماع؛
- ۲ - ۱ - ۲. روش معرفت نقلی (نقد هرمنوتیکی کلام سلفی)؛
- ۲ - ۱ - ۲ - ۱. حجیت ظاهر کتاب و سنت؛
- ۲ - ۱ - ۲ - ۲. نفی تاویل؛
- ۲ - ۱ - ۲ - ۳. حجیت فهم صحابه؛
- ۲ - ۲. معرفت عقلی؛
- ۲ - ۲ - ۱. ماهیت عقل؛

- ۲ - ۲ - ۲. نفی حجیت عقل؛
- ۲ - ۲ - ۳. تعارض عقل و نقل؛
- ۲ - ۲ - ۴. برونداد عقل (حسن و قبح عقلی)؛
- ۲ - ۳ - ۳. معرفت شهودی (حضور)؛
- ۲ - ۳ - ۱. ماهیت شهودی؛
- ۲ - ۳ - ۲. نفی شهود و مکاشفه؛
- ۲ - ۴ - ۴. معرفت حسی؛
- ۲ - ۴ - ۱. ماهیت ادراک حسی (حصولی، حضوری)؛
- ۲ - ۴ - ۲. اقسام ادراک حسی (ظاهری، باطنی، حس مشترک)؛
- ۲ - ۴ - ۳. اعتبار ادراک حسی.

۳. خداشناختی کلام سلفی

- ۳ - ۱. ماهیت توحید؛
- ۳ - ۲. مراتب توحید؛
- ۳ - ۳. براهین اثبات خدا؛
- ۳ - ۴. توحید در اولوهیت (توحید عبادی)؛
- ۳ - ۵. اوصاف الهی (صفات خبری)؛
- ۳ - ۶. افعال الهی (جبر و اختیار، هدایت و ضلالت).

۴. دین‌شناسی کلام سلفی

- ۴ - ۱. ماهیت دین؛
- ۴ - ۲. قلمرو دین؛
- ۴ - ۳. علم و دین (علم دینی)؛
- ۴ - ۴. مطالعات علوم انسانی؛
- ۴ - ۵. حق و باطل؛
- ۴ - ۶. ایمان و کفر (دینداری / تکفیر).

۵. راهنماشناسی کلام سلفی

۵ - ۱. نبوت؛

۵ - ۱ - ۱. وحی؛

۵ - ۱ - ۲. عصمت؛

۵ - ۱ - ۳. نبوت خاصه؛

۵ - ۲. امامت؛

۵ - ۲ - ۱. تعیین امام؛

۵ - ۲ - ۲. عصمت امام؛

۵ - ۲ - ۳. مسئله خلافت؛

۵ - ۲ - ۴. امامت خاصه.

۶. انسان‌شناسی کلام سلفی

۶ - ۱ - ۱. آفرینش انسان؛

۶ - ۱ - ۲. خلافت الهی؛

۶ - ۱ - ۳. اختیار یا جبر انسان.

۷. جهان‌شناسی کلام سلفی

۷ - ۱. عالم مجردات (عالم انوار)؛

۷ - ۱ - ۱. وجود پیشین عالم مجرد؛

۷ - ۱ - ۲. اولین مخلوق مجرد؛

۷ - ۱ - ۳. تجرد ملائکه؛

۷ - ۱ - ۴. ماهیت روح (مجردای مادی)؛

۷ - ۱ - ۵. عقل (جوهر مجرد / یا عرض)؛

۷ - ۲. عالم مثال (اشباح و اظلال)؛

۷ - ۲ - ۱. تجرد و تمثل ملائکه؛

۷ - ۲ - ۲. عالم ذر و ألسنت؛

۷ - ۲ - ۳. وجود ملکوت برای تمام اشیاء و آسمانها؛

۷ - ۲ - ۴. رؤیا؛

۷ - ۲ - ۵. وجود فعلی بهشت و جهنم؛

۷ - ۳ - ۳. عالم طبیعت؛

۷ - ۳ - ۱. حدوث و قدم جهان؛

۷ - ۳ - ۲. منشأ خلقت جهان طبیعت؛

۷ - ۳ - ۳. مراحل خلقت جهان طبیعت؛

۷ - ۳ - ۴. تاریخ جهان طبیعت.

۸. فرجام شناسی کلام سلفی

۸ - ۱. حیات پس از مرگ؛

۸ - ۲. حیات برزخی؛

۸ - ۳. سماع موتی؛

۸ - ۴. مسئله خلود.

برون‌دادهای کلام سلفی

مطالعات سلفی‌پژوهی گاه به چند مسئله خاص ذیل مباحث توحید عبادی، صفات خبری، نقد ابن‌تیمیه و محمد بن عبدالوهاب سمت‌وسو یافته، بیشتر آثار و تحقیقات در همین حوزه منحصر شده است که انجام کار نو با برون‌دادهای مشخص و عینی ضروری است؛ با این نگاه، برون‌دادهای ذیل محل درنگ و مطالعه است:

۱. بررسی مبانی معرفتی سلفیان

یکی از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی دینی این است که برای دستیابی به معرفت دینی، در کنار نقل می‌توان گزاره‌های بنیادین عقاید دینی را از راه عقل اثبات کرد؛ شهود نیز طریق سوم معرفت بشمار می‌آید. لیکن در نگاه سلفیان ابزارهای معرفت و دسترسی به حقایق دینی منحصر به «نقل» و «حس» است و آنان منکر اعتبار و کارکرد «عقل» و همچنین منکر معرفت حاصل از «شهود و کشف» هستند و به باور آنان، تنها منابع شناخت کتاب، سنت رسول خدا ﷺ، سلف و بخصوص صحابه و اجماع اهل علم است. (بن باز، ۱۴۲۰: ۸ / ۱۱۶)

نقدهای جاری بر سلفیون، منحصر در مبانی اعتقادی است و مبانی معرفتی کمتر مورد نقد قرار گرفته است، درحالی که این حوزه یکی از چالش‌های دینی سلفیون است که باید به‌خوبی نقد شود؛ زیرا:

۱. گرچه در مکتب سلفیه اصالت با نقل است اما آنان برای فهم اصول و فروع دینی، بر ظواهر متن آیات قرآن و احادیث تکیه می‌کنند و ضمن جمود بر ظاهر، در شناخت اصول اعتقادی از تأویل دوری کرده، هرگونه باطن مخالف با ظاهر را که گاه به بهانه دوری از تشبیه و تجسیم مطرح می‌گردد، رد می‌کنند. (ابن تیمیه، ۲۰۰۴ م: ۲۸۵ - ۲۸۰) نگاه انحصاری در اسلوب نقلی، ریشه در باور حشویه دارد که جز به گردآوری و نقل حدیث به چیز دیگر نمی‌اندیشند و با ملاک قرار دادن هر حدیث ضعیف و صحیحی، اباطیل فراوانی را به نام دین ترویج می‌کنند.

۲. سلفیون با رویکرد ظاهرگرایی، به عقل به‌مثابه یک منبع، باور ندارند و آن را کنار می‌گذارند؛ جمود در فکر و پرهیز از عقل و عقل‌گرایی بزرگ‌ترین آسیب مکتب سلفی است. درحالی که عقل از ارکان شناخت صحیح است و حس و تجربه هم اعتبار خود را از عقل می‌گیرند و در پرتو عقل شناخت خدا، وحی، پیامبر، قیامت اثبات می‌شود و نمی‌توان مدعای سلفیون را در کنار زدن عقل پذیرفت؛ زیرا در صورت به حاشیه راندن عقل، تمامی ارزش‌های ماورائی، خیالات و توهمات خواهد بود. در مکتب سلفی عقل و استدلال مورد قبول نیست. ابن تیمیه با یکسان انگاشتن عقل و قیاس بر این باور بود که مؤمن نباید ایمان خود را با قیاس‌های فاسد از بین ببرد و نابود کند. چون این قیاس‌ها جهل، خیال، وهم و ذوقیات شیطانی است که در نزد عقل‌گرایان و عرفا به‌عنوان حق جلوه کرده است. (ابن تیمیه، ۱۹۹۱: ۳ / ۲۵۶ - ۲۵۵) او عقل را عنصر مستقل در فهم حقایق نمی‌دانست و ضمن نقد تفکری که دیگران را به تمجید بت عقل فرا می‌خواند، بر این نکته تأکید می‌کرد که عقل به تنهایی کافی در هدایت و ارشاد نیست و گرنه خداوند رسولان را نمی‌فرستاد. (ابن تیمیه، ۱۹۹۱: ۱ / ۲۱) او کتاب و سنت را تنها ادله اصول دین دانسته، تأکید داشت درون این دو منبع، دلایل عقلی و برهانی یقینی وجود دارد. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۱۷۹) سلفیون پیرو او هر نوع عقل‌گرایی را به کناری نهاده، توجه استقلال به عقل را به‌معنای بی‌فایده بودن ارسال رسل و انزال کتاب می‌شمارند؛ (الحلمی، ۱۴۱۶: ۳۸۶ - ۳۸۵) ولی عقل علاوه بر اینکه منبعی مستقل برای فهم اصل دین است، ابزاری در خدمت تبیین و تفسیر منطقی سایر منابع و حل تعارض بین آنها نیز هست و این جایگاه مورد پذیرش شرع است. زیرا بسیاری از آموزه‌های بنیادین دین مانند اوصاف و افعال الهی از سنخ مسائل عقلی است و ناتوانی عقل از فهم دین و آموزه‌های آن، با لغویت این گونه آموزه‌ها در دین مساوی است.

(ر.ک: الغزالی، ۱۴۱۳: ۱۵۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۰؛ علیدوست، ۱۳۸۶: ۱۶۱؛ شاکرین، ۱۳۹۰: ۷۶)

۳. حس‌گرایی محض، پیامد تکیه سلفیون بر اصالت ظاهر و تجربه است. ابن تیمیه در راستای تأکید بر مبنای ظاهرگرایانه، ضمن انتقاد از دیدگاه علامه حلی درباره غیر قابل رؤیت بودن خداوند از طریق حواس، مرئی بودن را از لوازم هستی می‌شمارد و معتقد است هراندازه وجود کامل‌تر باشد، برای مرئی شدن شایسته‌تر است و چون خداوند کاملترین موجود است، پس برای مرئی بودن نیز از همه موجودات شایسته‌تر است. ابن تیمیه با قابل رؤیت دانستن خداوند در قیامت مدعی است خداوند «أَحَقُّ بِأَنْ يُرَى، وَإِنَّمَا لَمْ نَرَهُ لِعَجْزِ أَبْصَارِنَا عَنْ رُؤْيَيْهِ لَا لِأَجْلِ امْتِنَاعِ رُؤْيَيْهِ»، او اذعان می‌دارد عدم رؤیت او در دنیا را دلیل بر نقص بینایی انسان می‌داند و تأکید دارد که اصولاً رؤیت خدا به خودی خود ممنوع نیست. (ابن تیمیه، ۱۹۸۶: ۲ / ۳۳۲)

۲. نقد هرمنوتیکی کلام سلفی

هرمنوتیک (Hermeneutics) در اصطلاح شامل مجموعه بحث‌هایی است که درباره «تفسیر متن» و «فهم» آن مطرح می‌شود. هرمنوتیک از ابتدای شکل‌گیری تاکنون سه دوره روشی، روش‌شناختی و فلسفی را پشت سر گذاشته است. هرمنوتیک روشی، مربوط به هرمنوتیک قرن شانزدهم تا ابتدای قرن نوزدهم است که در آن مجموعه‌ای از قواعد تفسیری محل بحث قرار می‌گرفتند. هرمنوتیک روش‌شناختی در قرن نوزدهم توسط شلاپرماخر مطرح شد و بعداً توسط دیلتای و بتی و هرش ادامه پیدا کرد. در این هرمنوتیک نظریه فهم متن به‌منظور دستیابی به خطوط کلی رسیدن به مراد گوینده تبیین شد و از این جهت عمده مباحث آن در خصوص چرایی روش‌هایی بود که در فرایند فهم مراد گوینده باید به کار گرفته شوند. هرمنوتیک فلسفی نیز مربوط به تلاش‌های هرمنوتیکی گادامر است که در کتاب حقیقت و روش و مبتنی بر فلسفه بنیادین هایدگر سامان یافت. هرمنوتیک فلسفی مبتنی بر نگاه فلسفی به مقوله فهم و معنا و به‌طور مشخص بر پایه آموزه تاریخ‌مندی فهم هایدگر شکل گرفته است. هرمنوتیک روشی و روش‌شناختی «مولف محور» هستند ولی هرمنوتیک فلسفی طبیعتاً «مفسر محور» می‌باشد. (واعظی، ۱۳۸۱: ۱۲۰؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۱ - ۷)

سلفی‌ها به لحاظ قرارگیری ذیل سه رویکرد مولف محوری، متن محوری و مفسر محوری ذیل رویکرد کلی «مولف محوری» قرار می‌گیرند و به‌زعم خود دنبال فهم مراد شارع هستند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۹۷) آنها برای رسیدن به مراد شارع روش‌هایی را به کار می‌برند که قاعداً روش‌های مورد تأیید آنها مبتنی بر نظریه‌ای است که چه بسا توسط ایشان به صراحت بیان نشده است، ولی از

مجموعه بیانات آنها قابل استنباط است. تفاوت اصلی استنباط‌های ایشان از منابع با استنباط‌های سایر مذاهب کلامی اسلامی در در همین نظریه است؛ ایشان قائل به تقدیم شرع بر عقل، رفض تاویل کلامی و استدلال به آیات و براهین قرآنی، به‌عنوان سه قاعده محوری هستند، (الحلمی، ۱۴۱۶: ۱۶۴ - ۱۵۹) و معتقد به فهم سلف به‌عنوان یکی از راه‌های رسیدن به «مراد متکلم» هستند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۸ / ۴۹۸) البته محوریت سلف در نظریه فهم دین آنها، بهانه‌ای برای پیشبرد دیدگاه‌ها و اندیشه‌های معماران فکری سلفی است، زیرا آنها به‌دنبال سلفی هستند که فهم آنان را تأیید کنند و در این رویکرد لزوماً دوری از شناخت، مراد متکلم است. (بوطی، ۱۳۷۵: ۲۵۱)

در این راستا لازم است منظومه هرمنوتیکی یا همان نظریه فهم متن ایشان از مجموعه گفته‌ها و دیدگاه‌هایشان انتزاع شود و از منظر کلام امامیه مورد نقد قرار گیرد.

۳. تفصیل علمی مبانی اعتقادی سلفی‌گری

ارائه و تبیین عقاید، نقطه محوری حرکت سلفیون است و این محور نیز کانون مصاف آنان با سایر مکاتب و منتقدان است. مواجهه، بررسی و نقد سلفیون نیز در این نقطه تمرکز بیشتری یافته است که باید با نگاه تفصیلی و تفکیک مبانی اعتقادی سلفیون استوار باشد؛ از این‌رو بررسی و نقد باورها و عقاید سلفیون با تمرکز بر مبانی «هستی‌شناختی» در حوزه خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و فرجام‌شناسی بوده، مبانی «دین‌شناختی» در حوزه‌های ماهیت و قلمرو دین، نبوت و امامت است. مباحث «اجتماعی دین» نیز محل بحث و درنگ خواهد بود. درباره مبانی اعتقادی سلفی‌گری چند نکته قابل توجه است:

اول. توحید سلفیان با محوریت ظاهرگرایی، رد تأویل و نفی عقل، «صفات خبری» الهی به‌گونه‌ای تفسیر می‌شود که به توحید جسمانی انجامیده، خدایی مجسم را بر عرش مشخص می‌نشانند. (السعدی، ۱۴۲۶: ۱۱) پیروان مذهب سلف در «توحید عبادی»، با عدم تفکیک «عبادت و پرستش» با «تکریم و ستایش»، تفسیر غلطی از «عبادت» ارائه داده، هر خضوعی را عبادت تلقی کرده‌اند و در این راستا هر دعا و درخواستی را نیز عبادت شمرده‌اند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۸: ۱۷ و ۱۸)

دوم. در جهان‌شناسی الهیات سلفی‌گری، نشانه‌های حس‌گرایی آشکار است؛ ابن تیمیه عالم غیب و عالم مجردات را مفارق و جدا از ماده نمی‌داند و مدعی است فرشتگان مجرد نیستند و آنان از نور (به مثابه یک امر جسمانی) به وجود آمده‌اند، از این‌رو ملائک به صورت بشر به حضرت ابراهیم علیه السلام فرود آمده‌اند! (ابن تیمیه، ۱۹۸۶: ۲ / ۵۳۳ و ۵۳۵)

سوم. انسان در اسلام وجودی ابدی و بی‌نهایت است و وقتی از انسان‌ها و اوصیاء الهی به‌عنوان انسان‌های کامل یاد می‌شود، حیاتشان به این دنیا منحصر نیست و فراتر از شهاده، بر امور دنیایی اشراف دارند. سلفیون در مواجهه با چنین انسان‌هایی، حضور و تصرف آنان را در پیکر مادی و حیات دنیایی منحصر کرده‌اند و حیات برزخی او را محدود دانسته، منکر آگاهی ایشان از امور دنیا می‌دانند و سخن گفتن با ایشان و یا حاجت‌خواهی از آنان را بی‌هوده می‌دانند. (العثیمین، ۱۴۳۴: ۱ / ۳۹۲)

چهارم. تعریف سلفیان از دین در حد یک نظام ساده حقوقی است و این برداشت سطحی و حداقلی از دین موجب شده است که هر تفسیری غیر از دین، انحراف و بدعت دینی خطرناک شمرده شود و این دین‌شناسی صرفاً منحصر در نوع رابطه با خدا شود و از سایر روابط با جامعه و طبیعت بیگانه باشد. (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

۴. تبیین کاستی‌ها در مطالعات علوم انسانی

هیچ علم انسانی بدون شناخت انسان به وجود نمی‌آید و انسان‌شناسی از جهت تأمین اصل موضوعی برای علوم انسانی دارای اهمیت است.

سلفیون از منظر مطالعات علوم انسانی بشدت آسیب پذیرند و از این منظر کمتر مورد نقد قرار گرفته‌اند که باید این کاستی جبران شود. موضوع علوم انسانی در یک معنای کلی، انسان و در معنای دقیق‌تر، کنش‌های انسانی است. علوم انسانی به دسته‌ای از علوم اطلاق می‌شود که به مسایلی چون: جامعه، فرهنگ، زبان، رفتار و کنش انسان، و روان و اندیشه افراد توجه دارد. جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ چند نمونه از رشته‌های علوم انسانی‌اند. و دسته‌ای دیگر از آنها مثل: تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق مربوط به انسان‌اند و به اسم‌های گوناگون از قبیل: «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «علوم تاریخی»، «علوم اخلاقی»، «علوم فرهنگی»، «علوم روحی» و «علوم توصیف افکار» نامیده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷ - ۱۶)

از این رو علوم انسانی قاعدتاً دانش‌هایی ناظر به حالات، شئون و رفتارهای فردی یا اجتماعی «انسان» هستند. پیروان مکتب سلفی در این زمینه با آسیب‌های مهمی روبه‌رو هستند که عبارت است از:

۱. یکی از چالش‌های جدی تفکر سلفی، ماهیت و کارکرد انسان است. انسان از کرامتی برخوردار است که در قرآن و آموزه‌های اسلامی به آن اشاره شده است و از این رو نمی‌توان به راحتی کرامت یک انسان را پایمال نمود و انسانی را که با فکر و اندیشه سلفیون همسو نیست، در قفس نهاد، و اندیشه و عقیده او را به سخره گرفت.

۲. علوم انسانی به رفتارها، کردارها و روابط متقابل افراد بشر با خود، افراد جامعه و محیط خارجی توجه دارد، توجه به زندگی اجتماعی انسان و هویت اجتماعی از محورهای مهم در علوم انسانی است. (ترخان، ۱۳۹۶: ۸۰) در اندیشه سلفی مفاهیمی چون: «تکفیر»، «خشونت»، «قتل»، «تخریب» و تکیه بر «رفتارهای جامعه ستیز» همچون «تخریب مزارات و اماکن مقدس» متبلور است.

۳. علوم انسانی در ساخت تمدن نقش برجسته‌ای داراست و ساخت تمدن اسلامی در گرو علوم انسانی اسلامی است. اندیشه سلفی در این زمینه ناتوان است، تفکر غالب در سلفیان سنتی نص‌گرایی، گذشته‌گرایی و ناسازگاری با تجدد و مظاهر آن است. همچنین روش نقلی حاکم بر کلام سلفی و تلاش آنان بر نفی روش عقلی، توان ورود به این حیطه را از آنان سلب کرده است. هرچند که در برخی آثار سلفیان اخوانی با نگاه مثبت به این موضوع ورود کرده‌اند و در مقابل نیز سلفیان تکفیری در تضاد با موضوع موضع گرفته‌اند.

۵. بررسی علم دینی در مکتب سلفی

علم دینی محصول مشترک عقل و نقل است، اما در مکتب سلفی، علم دینی را به علم نقلی محدود کرده، معتقدند علم دینی صرفاً از راه وحی انبیا و یا نقل دینی به‌دست می‌آید. (پارسانیا، ۱۳۸۸: ۲۲) ابن تیمیه هر معرفتی را که از راه عقل، تجربه و یا شهودهای بشری بدست آید و مربوط به غیرانبیا باشد، معرفت و یا علم غیردینی می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۶۶)

۶. تکیه بر تضاد سلفی‌گری با اصول سلف

سلفی‌گری به‌معنای پیروی از مذهب سلف صالح سه قرن نخست و التزام بر راه و حرکت آنان در زمینه ایمان و اعتقاد است. (القوسی، ۱۴۲۲: ۴۱) در مواجهه با برخی از جریانات سلفی به‌خصوص وهابیت، این حرکت انحرافی را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم‌مصادره این عنوان از سوی آنان، تاکید کرد؛ آیت‌الله خامنه‌ای از این منظر، سلفیون را به چالش می‌کشد و معتقد است سلفی‌گری اگر به‌معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به‌معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی، سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)

محمدالغزالی (م ۱۹۹۶ ق) ضمن نقد وهابیت، از نقش دشمنان اسلام در هموار کردن فضا برای

سلفیان معاصر یاد می‌کند و در نگاه او، اسلام ترسیمی از سوی آنان، نه تنها جذابیتهی نداشته، بلکه سبب دوری از آن و مقدم کردن هر نحله‌ای بر دین اسلام می‌شود. (الغزالی، ۱۹۹۱: ۵۰) اندیشه ترسیمی وهابیت از اسلام و همچنین عملکرد منفی ایشان به‌گونه‌ای است که در نگاه حامد الگار، وهابیان، اصول تعلیمات اسلام را کاملاً وارونه جلوه دادند. (حامد الگار، ۱۳۸۷: ۶۰)

۷. لزوم درونی‌سازی نقد کلام سلفی

فقر نظری مکتب سلفی و مشی افراطی سلفیان وهابی و تکفیری، زمینه تقویت جبهه رقیبان و مخالفان هم‌مذهب آنان را فراهم ساخته است. در میان اهل سنت، به‌جز ظرفیت جاری و گسترده در اشاعره، که جریان فکری غالب اهل سنت به‌خصوص در شافعی مذهب را تشکیل می‌دهد، سه طیف «ماتریدی»، «صوفی» و «نواعترالی» به‌عنوان جبهه مقابل مکتب سلفی به‌عنوان یک فرصت، مطرح است که با وجود تفاوت‌های خاص، هریک از اقبال خاصی در جهان اسلام برخوردار بوده و در آینده می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کنند.

همچنین در میان جریانات سلفی، تعارضات درونی متعدد، آشکار و پنهانی وجود دارد که بررسی آن ضروری است. در نقد وهابیت می‌توان بر نگاه انتقادی اخوان المسلمین بر ضد وهابیان سلفی و ظرفیت دیوبندی‌ها به‌عنوان یک گرایش سلفی در نقد وهابیت استفاده کرد.

در گذشته بحث سلفیه یک جریان بسیط و کاملاً واحد بوده است و حول محور افرادی چون ابن تیمیه، ابن قیم (م ۷۵۱ ق) و محمد بن عبدالوهاب و حول مباحثی چون توحید و شرک، ایمان و کفر، سنت و بدعت و حیات برزخی می‌گشت، اما در دهه‌های اخیر تنوع و تکرر در اندیشه‌های سلفیه پدید آمد و سلفی‌گری از حالت بسیط بیرون آمد و با حفظ اصول و مبانی مشترک بر گرفته از ابن تیمیه، به شعبه‌های مختلف تقسیم شد؛ توجه به این تقسیم‌بندی در درونی‌سازی نقد سلفی‌گری بسیار مهم است.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان سلفی‌گری را به چهار بخش تقسیم کرد؛ وهابی‌ها به‌عنوان سلفی‌گری تقلیدی؛ اخوان المسلمین به‌عنوان سلفی‌گری اصلاحی و داعش به‌عنوان سلفی‌گری جهادی، دیوبندی و سلفی زیدی. این دگرگونی و تکرر در سلفیون وهابی نیز پدید آمد و وهابیت در عربستان نیز به جریان‌های دورنی چون «درباری یا جامیه» و «سروریه» تقسیم شدند. در میان این گرایشات مختلف وهابی مقیم عربستان، تعارضاتی نیز پدید آمد و جریان‌های معارض وهابی نیز با عنوان «جهیمان» و «قطبی» فعالیت داشته‌اند. جریان «نوسلفیون» نیز یک پدیده قابل‌توجه و

خطرناک در عربستان تلقی می‌شوند. البته به دلیل رویکرد حاکمیت سعودی، وهابیه جامیه که به تقلیدی نیز معروف است، بر سایر گرایشات وهابی تفوق دارد و آنان بر تمامی مسندهای دینی و فرهنگی سلطه تام دارند و تفکر سلفی وهابی را نمایندگی می‌کنند. (پورامینی، ۱۳۹۵: ۱۳۰)

سلفی‌پژوهی در دوره معاصر بیشتر تمرکز بر سلفیان وهابی داشته و سایر گرایش‌های سلفی و حتی گرایش‌های منشعب از وهابیت کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. جریان حاکم وهابی عربستان اصرار دارد با استفاده از ثروت و رسانه‌های دولتی، منحصرأ خود را «سلفی راستین» بداند و دیگران به‌ویژه، سلفی‌های اصلاحی و اجتهادی را دچار انحراف از شیوه سلف قلمداد کند. از این رو مطالعه و بررسی جریان‌های سلفی وهابی و غیروهابی ضرورت دارد.

نتیجه

سلفی‌گری به‌مثابه یک مکتب کلامی و اعتقادی، در دو سده اخیر نیز به‌صورت خاص بر باورهای ابن‌تیمیه تکیه داشته، ارائه افکار او به‌عنوان محور اصلی اندیشه سلفی تلقی می‌شود و بدیهی است نقد و بررسی کلام سلفی بر محور او، شناخت اندیشه‌های اوست.

پیروی و التزام بر راه و حرکت مذهب پیشوایان سلف زنده در سه قرن نخست، هویت کلام سلفی را شکل می‌دهد و نص‌گرایی محض روش کلامی آنان را شکل می‌دهد؛ از این رو پارادایم حاکم بر روش کلامی آنان، نقلی و نص‌گرایی است.

«کلام سلفی» را می‌توان بر اساس یک ساختار منطقی و معرفتی از مبانی و مسائل بررسی کرد و با تکیه بر این طرح جدید، از برون‌دادهایی چون بررسی مبانی معرفتی، نقد هرمنوتیکی، تبیین کاستی‌ها در مطالعات علوم‌انسانی و علم دینی، تضاد سلفی‌گری با اصول سلف و لزوم درونی‌سازی نقد کلام سلفی یاد کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۰۶ ق، *منهاج السنه النبویه*، ریاض، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۱۶ ق، *مجموع الفتاوی*، المملکه العربیه السعودیه، مجمع الملك فهد لطباعه المصحف الشریف.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۲۵ ق، *شرح العقیده الاصفهانیه*، بیروت: مکتبه العصریه.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۲۶ ق، بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه، المدینه، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۱۹۹۱ م، درء تعارض العقل والنقل (او موافقه صحیح المنقول لصریح العقول)، ریاض، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۲۰۰۴ م، الفتوی الحمویه الکبری، الریاض، دار الصمیعی.
۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، بی تا، مجموعه الرسائل الکبری (الرساله الثانیه: معارج الوصول)، بیروت، دارالتراث العربی.
۸. ابن عساکر دمشقی، ابی القاسم علی بن الحسن، ۱۴۰۴ ق، تبیین کذب المقتدی فیما ینسب الی الامام علی بن ابی الحسن الأشعری، بیروت. دارالکتب العربی.
۹. اسماعیل باشا بن محمد امین، ۲۰۱۷ م، ایضاح المکنون فی الدیل علی کشف الظنون، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۰. اسود، محمد عبدالرزاق، ۱۴۲۹ ق، الاتجاهات المعاصره فی دراسه السنه النبویه فی مصر و بلاد الشام؛ دمشق، دارالکلم الطیب.
۱۱. اشعری، ابوالحسن ۱۹۹۵ م، رساله استحسان الخوض فی علم الکلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. اصفهانی، محمد حسین، ۱۴۲۹ ق، نهایه الدرایه، بیروت، موسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۳. ایجی، عضدالدین، ۱۳۷۰ ش، الموافق، شرح میرسید شریف جرجانی، قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۴. آیوب، سعید، ۱۴۱۴ ق، معالم الفتن (نظرات فی الاسلام و تاریخ المسلمین)، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۱۵. البکری، احسان عبداللطیف، ۱۴۰۸ ق، الوهاییه فی نظر العلماء المسلمین، قم، کتابخانه مرعشی.
۱۶. بن باز، عبدالعزیز، ۱۴۲۰ ق، مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ریاض: دارالقاسم.
۱۷. بوطنی، محمد رمضان سعید، ۱۳۷۵، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهدی: انتشارات آستان قدس.
۱۸. پارسانیا، حمید، ۱۳۸۸، علم دینی از منظر حکمت اسلامی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۶.
۱۹. پورامینی، محمد باقر، ۱۳۹۵ ش، بنیاد تفکر سلفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. تهرانی، آقا بزرگ، ۱۴۰۳ ق. الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان.

۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ ش، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم، اسراء.
۲۲. حسین زاده، محمد، ۱۳۹۳ ش، *معرفت‌شناسی*، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. الحلمی، مصطفی، ۱۴۱۶ ق، *قواعد المنهج السلفی فی الفكر الاسلامی*، الاسکندریه، دار الدعوه.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۶۳ ش، *انوار الملکوت فی شرح الباقوت*، قم، الشرایف الرضی.
۲۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰ ش، *خطبه‌های نماز جمعه تهران*، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۹۰ ش.
۲۶. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، ۱۴۰۲ ق، *مختصر العلو للعلی الغفار*، تحقیق شیخ البانی، بیروت، المكتب الاسلامی.
۲۷. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، ۱۴۱۷ ق، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، دارالفکر.
۲۸. رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، *المحصل*، عمان، دارالرازی.
۲۹. السعدی، عبدالرحمن، ۱۴۲۶ ق، *کتاب حصن التوحید*، الرياض، دارالقاسم.
۳۰. سعید عبدالعظیم، ۲۰۰۴ م، *منهج شیخ الاسلام ابن تیمیه التجیدی السلفی و دعوتہ الاصلاحیہ*، اسکندریه، دارالایمان.
۳۱. سید نژاد، سید باقر، ۱۳۹۰ ش، *رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی‌گری*، فصلنامه فلسفه دین، شماره ۱۱، ص ۱۶۴ - ۱۳۱.
۳۲. شاکرین، حمید رضا، ۱۳۹۰ ش، *مبانی و پیش‌انکاره‌های فهم دین*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۴ ش، *الملل والنحل*، قم، الشریف الرضی.
۳۴. صالح بن عبدالله بن عبدالرحمان، ۱۴۱۷ ق، *عقیده الشیخ محمد بن عبدالوهاب السلفیہ و اثرها فی العالم الاسلامی*، المدینة المنوره، مکتبه الغرباء الاثریہ.
۳۵. صائب عبدالحمید، ۱۴۱۴ ق، *ابن تیمیه حیاته عقائده*، قم، الغدیر.
۳۶. عبد ربّه بن سلیمان، ۱۳۸۳ ق، *فیض الوهاب فی بیان اهل الحق ممن ضلّ عن الصواب*، دار القومیہ.
۳۷. العثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۳۴ ق، *فتاوی نور علی الدرب*، القصیم، موسسه الشیخ محمد بن صالح العثیمین.
۳۸. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۱ ش، *فقه و عقل*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. الغزالی، أبو حامد محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *المستصفی*، بیروت، دار الکتب العلمیہ.

۴۰. الغزالی، محمد، ۱۹۹۱ م، *تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل*، مصر، دار نهضة.
۴۱. فاضلی، نعمت الله و فاطمه کوشکی، ۱۳۹۵ ش، *رشته‌ای، بینا رشته‌ای و پسا رشته‌ای؛ تغییر الگوهای رشته‌ای در زبان شناسی*، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۳۳، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۴۲. القوسی، مفرح بن سلیمان، ۱۴۲۲ ق، *المنهج السلفی*، الرياض، دارالفضیله.
۴۳. کوهن، تامس، ۱۳۶۹ ش، *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات سروش.
۴۴. الگار، حامد، ۱۳۸۷ ش، *وها بگیری*، ترجمه: احمد نمایی، مشهد، منشورات آستان قدس رضوی.
۴۵. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، ۱۳۷۲ ش، *گوهر مراد*، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۶. محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۳۱ ق، *مفید المستفید فی کفر تارک التوحید*، ریاض مکتبه الرشد.
۴۷. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱ ش، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸ ش، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.
۴۹. مقبول احمد، صلاح الدین، ۱۴۱۶ ق، *دعوه شیخ الاسلام ابن تیمیه و اثرها علی الحركات الاسلامیه*، الکویت.
۵۰. نشار، علی سامی، ۱۹۷۷ م، *نشاه الفکر الفلسفی*، قاهره، دارالمعارف.
۵۱. واعظی، احمد، ۱۳۸۱ ش، *درآمدی بر هرمنوتیک*، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۳، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۲. واعظی، احمد، ۱۳۸۷ ش، *هرمنوتیک و کلام*، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، شماره ۱۷، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.